

از نگاه ترامپ، این سفر و شرکت در این مجامع فرصتی است برای ترکیب موضوعات امنیتی، تجارت و فناوری. برای مثال، تفاهات تجارتی با کشورهای آسه‌ان که به همکاری در سرمایه‌گذاری، کنترل صادرات یا فناوری اختصاص دارد، می‌تواند ابزار فشار آمریکا بر چین باشد؛ همزمان با استراتژی امنیت منطقه‌ای. تحلیل بروکینگز گفته است: ترامپ در سفرش باید به چین «درک جدیدی از توافق اقتصادی، سرمایه‌گذاری و مسائل روسیه – اوکراین» ارائه دهد.

■ **چالش‌های آمریکا در همراه کردن کشورهای شرق آسیا**
در مسیر اجرای این راهبرد، آمریکا با چالش‌هایی روبه‌رو است: کشورها عضو آسه‌ان خواهان حفظ استقلال سیاست خارجی خود هستند؛ فشار آمریکا (یا هر قدرت بزرگ) ممکن است باعث شود این کشورها در سمت‌گیری دوگانه قرار بگیرند و اعتمادشان کاهش یابد. در عین حال کشورهای منطقه درگیر با چین هستند؛ اگر آمریکا بخواهد خیلی صراحتاً جای چین را بگیرد، ممکن است مقاومت چین و مقاومت منطقه‌ای افزایش یابد.

در APEC نیز زمینه همکاری اقتصادی متنوع است و صرفاً رقابت تجاری نیست؛ آمریکا باید بتواند پیشنهادات جذابی ارائه دهد که از نظر اقتصادی ارزش داشته باشد و نه صرفاً فشار بر چین. با این وجود آمریکا می‌تواند از این نشست‌ها برای پیگیری موضوعات نوظهور مانند فناوری سبز، زنجیره تأمین مقاوم و تحول دیجیتال استفاده کند؛ این حوزه‌ها برای کشورهای آسه‌ان و APEC اهمیت زیادی دارد.

■ **حاشیه‌های سفر ترامپ به شرق آسیا**

رقص ترامپ در مالزی؛ از دیپلماسی تا جنجال رسانه‌ای
ترامپ در نخستین روز سفر خود به کوالالامپور، در مراسم استقبال رسمی با هنرمندان محلی به رقص پرداخت. این حرکت غیرمنتظره که با استقبال گرم مقامات مالزیایی همراه شد، به سرعت در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و بیش از ۳۷ میلیون بازدید در پلتفرم‌های مختلف به دست آورد. برخی رسانه‌ها این اقدام را نشانه‌ای از تلاش ترامپ برای نزدیکی به فرهنگ‌های محلی و تقویت روابط دیپلماتیک ارزیابی کردند. با این حال، برخی تحلیلگران آن را تلاشی برای جلب توجه رسانه‌ها و منحرف کردن افکار عمومی از مسائل جدی‌تر دانستند.

■ **اعتراضات مردمی در مالزی؛ مخالفت با سیاست‌های جنگی ترامپ**

همزمان با حضور ترامپ در مالزی، صدها نفر از مردم این کشور در اعتراض به سیاست‌های جنگی ایالات متحده، یوزه در قبال غزه، در خیابان‌های کوالالامپور تجمع کردند. این اعتراضات نشان‌دهنده نارضایتی عمومی از سیاست‌های خارجی ترامپ و تأثیر آن بر روابط ایالات متحده با کشورهای آسیایی بود.

■ **تنش‌های رسانه‌ای در نشست آسه‌ان**

در حاشیه نشست سران آسه‌ان در کوالالامپور، ترامپ در دیداری با رئیس‌جمهور برزیل «لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا» با خبرنگاران روبرو شد. در این دیدار، ترامپ با عصبانیت به سئالات خبرنگاران پاسخ داد و گفت: «باز هم شما؟» این واکنش ترامپ بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت و برخی آن را نشانه‌ای از خستگی یا نارضایتی او از پوشش رسانه‌ای سفرش دانستند.



**گزارش «وطن امروز» درباره سفر رئیس‌جمهور آمریکا به شرق آسیا؛ تلاشی برای احیای روابط تجاری در دنیای پر آشوب تعرفه‌ها**

# نقشه ترامپ برای شرق

را «صحنه فرعی» نمی‌بیند، بلکه «جبهه اول» رقابت بزرگ با چین تلقی می‌کند. او قصد دارد از این فرصت استفاده کند با کشورهای آسه‌ان قراردادهای تجاری یا چارچوب‌های توافقی امضا کند که به کاهش وابستگی به چین کمک کند و بازارهای جایگزین برای آمریکا ایجاد کند. ترامپ و دولتش احتمالاً تأکید بیشتری بر «تنوع زنجیره تأمین» خواهند داشت و از کشورهای آسه‌ان می‌خواهند گزینه‌های تولید و تأمین را از چین به کشورهای منطقه منتقل کنند. تحلیل CSIS می‌گوید: اعضای APEC در معرض آسپند، چون به هر ۲ بازار آمریکا و چین متکی‌اند. ترامپ می‌خواهد تأکید کند ایالات متحده نه فقط شریک اقتصادی، بلکه رهبری نظم منطقه‌ای در آسیا – اقیانوسیه را بر عهده دارد. حضور او در APEC2025 و نشست آسه‌ان فرصتی است برای بازنمایی این قرارگاه. منبع بروکینگز می‌گوید: «برای آمریکا، مهم است که در قلب منطقه حضور داشته باشد». این باعث خواهد شد آمریکا بتواند در مذاکرات اقتصادی منطقه‌ای، مذاکره ترجیحی با کشورها داشته باشد و چین را به چالش بکشد.

بر خردار است اما باید میان منافع اقتصادی، رقابت با چین و تعهدات چندجانبه منطقه‌ای تعادل بیابد. آمریکا از طریق آسه‌ان و APEC می‌کوشد نفوذ اقتصادی و ژئوپلیتیک خود را در آسیا – اقیانوسیه حفظ کند. این منطقه اکنون از لحاظ اقتصادی بیش از نیمی از جمعیت جهان و سهم قابل توجهی از تولید جهانی را در بر دارد. نقش آمریکا در این سازوکارها ترکیبی است از ترویج تجارت و سرمایه‌گذاری، تضمین امنیت منطقه‌ای (بویژه آزادی دریانوردی، حضور نظامی) و تنظیم زنجیره‌های تأمین. از نگاه شرکای منطقه‌ای، مشکلاتی وجود دارد. بعضی کشورها نگرانند بازی آمریکا – چین آنان را در موقعیت سخت قرار دهد؛ ضمن اینکه روندهای تجاری و امنیتی بدون مشارکت منطقه‌ای می‌تواند آنها را دچار ریسک کند. با توجه به آنچه منابع تحلیلی منتشر کرده‌اند، می‌توان عناصر کلیدی راهبرد دونالد ترامپ برای این سفر و این سازوکارها را به شرح زیر تشخیص داد. نشریه فارن پالیسی در این باره نوشته است: سفر ترامپ به نشست‌های آسه‌ان و APEC نشان‌دهنده آن است که ایالات متحده دیگر منطقه

کشورهای جنوب شرق آسیا مهم است که فضای مانوری حاکمیت استراتژیک خود را حفظ کنند؛ برای آمریکا، مهم است نفوذ خود را در قلب منطقه ایندو-پاسیفیک نگه دارد». در نتیجه، وضعیت فعلی آمریکا در آسه‌ان را می‌توان اینگونه توصیف کرد: حضور قابل توجه اقتصادی و امنیتی دارد اما متحدان منطقه‌ای و اعضای آسه‌ان نگرانند فشارهای آمریکا (مثلاً تعرفه‌ها، فناوری و امنیت) موجب کاهش گزینه‌های مستقل آنان شود.

در مورد APEC یا همان مجمع همکاری‌های آسیا – پاسیفیک که سازوکاری اقتصادی و همکاری منطقه‌ای برای کشورهای حاشیه اقیانوس آرام است نیز آمریکا نقش سنتی داشته؛ از جمله ترویج تجارت آزاد، زنجیره‌های تأمین و چارچوب‌های چندجانبه اقتصادی. با این حال، تحلیل مرکز CSIS هشدار می‌دهد اعضای APEC «وابستگی‌های استراتژیک» به بازارهای آمریکا و چین دارند و این وضعیت با نوسان‌های سیاست تجاری آمریکا و چین بویژه در دوره ترامپ و پس از آن، شکننده شده است. به طور کلی، آمریکا در APEC از جایگاه یکی از قدرت‌های اقتصادی اصلی

**ادامه از صفحه اول**

او در تلاش است با تقویت روابط تجاری با کشورهای این منطقه، نفوذ اقتصادی چین را کاهش دهد و جایگاه ایالات متحده را به عنوان شریک اصلی اقتصادی در منطقه تثبیت کند. با این حال، برخی تحلیلگران بر این باورند سیاست‌های تجاری ترامپ، نظیر اعمال تعرفه‌های سنگین، ممکن است به روابط تجاری ایالات متحده با کشورهای آسیایی آسیب برساند و این کشورها را به سمت چین سوق دهد.

■ **آمریکا و آسه‌ان**

ایالات متحده طی دهه‌های گذشته تعامل قابل‌توجهی با آسه‌ان داشته است. در منشور راهبردی ایالات متحده برای منطقه «ایندو-پاسیفیک» آمده است آمریکا خود را به منطقه پهنآور از آسیای شرقی تا هند و اقیانوس آرام متعهد می‌داند و روابطش با آسه‌ان را یکی از پایه‌های این رویکرد می‌داند.

با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد در واقعیت، اجرای این برنامه چالش‌هایی دارد. برای مثال، بخش گزارش بانک بروکینگز با اشاره به سفر ترامپ به منطقه می‌گوید: «برای

نشانه‌های یک بازچینش تازه در مناسبات واشنگتن و پکن آشکار شده است. توافق اجرایی جدیدی که مقام‌های ۲ کشور طی هفته گذشته درباره آن به تفاهم رسیده‌اند، اگرچه هنوز در سطح «چارچوب» است و به امضای نهایی رهبران نرسیده اما نشان می‌دهد ۲ قدرت بزرگ اقتصادی جهان، پس از سال‌ها رقابت فرسایشی، به نقطه‌ای از تقابل رسیده‌اند که دیگر نه جنگ تجاری را تاب می‌آورند و نه قطع ارتباط فناورانه را.

بر اساس جزئیات منتشرشده از سوی منابعی در رویترز، فایننشال تایمز و پلیتیکو، این چارچوب اجرایی شامل ۴ محور اصلی است: تجارت و تعرفه‌ها، فناوری و هوش مصنوعی، انرژی و محیط زیست و گفت‌وگوهای امنیتی. هدف آن کاهش سطح تنش‌ها و تعریف نوعی «رقابت قابل مدیریت» میان ۲ کشور است؛ رقابتی که در ظاهر اقتصادی است اما در باطن، مستقیماً با آینده نظم جهانی و توزیع قدرت در قرن بیست‌ویکم گره خورده است.

■ **تجارت؛ بازگشت به منطق تعامل پس از دهه تعرفه‌ها**

نخستین بند توافق، مربوط به تجارت و تعرفه‌هاست. آمریکا پذیرفته بخشی از تعرفه‌های اعمال‌شده در دوران ترامپ را بر کالاهای صنعتی و نیمه‌های چینی کاهش دهد. در مقابل، چین تعهد کرده خرید کالاهای آمریکایی را افزایش دهد و از اعطای یارانه‌های پنهان صادراتی بکاهد. این بند، بازگشتی محتاطانه به منطق تعامل اقتصادی است؛ همان منطقی که از زمان ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ تا پیش از جنگ تجاری ۲۰۱۸، شالوده روابط ۲ کشور را شکل می‌داد، البته تفاوت امروز در آن است که دیگر واشنگتن، پکن را «شریک اقتصادی» نمی‌بیند، بلکه «رقیب راهبردی» تلقی می‌کند. هدف آمریکا از بازگشت به گفت‌وگوهای تجاری، بازگشت به دوران خوش همکاری نیست، بلکه مدیریت شکاف‌هاست. چین نیز از این مسیر به دنبال احیای اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی است. اقتصاد چین در ۲ سال گذشته با کاهش ورود سرمایه و افت رشد صنعتی روبه‌رو بوده و هر نشانه‌ای از ثبات در روابط با آمریکا می‌تواند به بازسازی فضای اعتماد در بازارهای مالی جهانی کمک کند.

■ **فناوری و هوش مصنوعی؛ خطوط قرمز رقابت**

بخش دوم توافق، مهم‌ترین و در عین حال شکننده‌ترین محور است: همکاری و محدودسازی در حوزه فناوری‌های حساس. آمریکا تلاش کرده از صادرات تراشه‌ها و فناوری‌های نظامی دوگانه چین به کشورهای ثالث جلوگیری کند، در حالی که پکن خواستار تضمین شده که واشنگتن از تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌های چینی در جنوب شرق آسیا استفاده نکند.

اینجا همان جایی است که جنگ سرد تکنولوژیک میان ۲ قدرت ادامه می‌یابد، حتی در بستر مصالحه. ۲ طرف می‌دانند «برتری تکنولوژیک» همان چیزی است که برتری نظامی و اقتصادی آینده را رقم می‌زند. آمریکا نمی‌خواهد پکن در صنایع پیشرفته نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی به



چارچوب تازه واشنگتن – پکن و آینده نظم اقتصادی جهان

## رقابت مدیریت‌شده به جای جنگ تجاری

اقتصاد جهان را تعیین کند.

در بعد امنیتی، توافق به معنای مصالحه نیست، بلکه به معنای باز نگه‌داشتن خطوط تماس است. ۲ طرف بر «مدیریت مسؤوالانه رقابت» و پرهیز از رویارویی در دریای جنوبی چین تأکید کردند. چین خواهان توقف فروش سلاح آمریکا به تایوان نشده اما بر حفظ وضعیت موجود تأکید دارد. آمریکا هم وعده داده در رزمایش‌های آینده با ژاپن و فیلیپین، کاتال تماس اضطراری را ارتش چین را فعال نگه دارد.

در واقع، این بند بیش از آنکه اعتماد ایجاد کند، به منزله بیمه‌نامه‌ای است برای روز حادته. رقابت نظامی میان ۲ کشور در منطقه به نقطه‌ای رسیده که هر مانور یا پروازی می‌تواند به درگیری ناخواسته منجر شود. واشنگتن و پکن می‌دانند در آستانه یک جنگ جهانی سرد قرار دارند و کوچک‌ترین سوءتفاهم می‌تواند هزینه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی داشته باشد. ■ **انتظارات متقابل؛ سیاست امتیاز در برابر بازآرندگی**

انتظارات ۲ طرف از این چارچوب در ظاهر اقتصادی است اما در عمق، ژئوپلیتیک است. واشنگتن می‌خواهد جلوی جهش چین در حوزه‌های سبز و نیمه‌هادی‌ها را بگیرد و همزمان از شکاف فناوری میان ۲ کشور به عنوان ابزار فشار سیاسی استفاده کند. آمریکا با این توافق، بار روانی جنگ تجاری را از دوش متحدانش در شرق آسیا برمی‌دارد و نشان می‌دهد هنوز می‌تواند بدون رویارویی مستقیم، قواعد بازی را تنظیم کند. در مقابل، پکن به دنبال گوشودن دریچه‌ای به سمت ثبات

چین بر عناصر نادر زمین مطرح است. برخی معتقدند این توافقات ممکن است به عنوان ابزارهای فشار در مذاکرات آینده مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه، پایداری آنها در بلندمدت مورد تردید است.

برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی نسبت به تأثیرات منفی این توافقات بر اقتصادهای خود ابراز نگرانی کرده‌اند. این نگرانی‌ها بویژه درباره احتمال افزایش وابستگی به بازارهای چین و ایالات متحده و کاهش تنوع در شرکای تجاری مطرح است. برخی تحلیلگران هشدار داده‌اند این توافقات ممکن است به عنوان ابزارهایی برای اعمال فشار بر کشورهای ثالث مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه، استقلال اقتصادی این کشورها تهدید شود.

برخی تحلیلگران بر این باورند توافقات تجاری میان ایالات متحده و چین ممکن است نتواند به طور مؤثر به چالش‌های ساختاری روابط تجاری ۲ کشور پرداخته و آنها را حل کند. این چالش‌ها شامل مسائل مرتبط با مالکیت معنوی، یارانه‌های دولتی، انتقال فناوری و سیاست‌های صنعتی می‌شود. برخی معتقدند بدون پرداختن به این مسائل، توافقات تجاری ممکن است نتواند به طور مؤثر به بهبود روابط تجاری ۲ کشور منجر شود. واکنش اولیه متحدان آمریکا، بویژه ژاپن و اتحادیه اروپایی محتاطانه مثبت بوده است. اروپا که از جنگ تعرفه‌ای میان ۲ غول اقتصادی آسیب دیده، این توافق را فرصتی برای احیای تجارت جهانی می‌بیند اما در شرق آسیا، نگرانی‌ها پابرجاست. کشورهای منطقه نگرانند مصالحه واشنگتن و پکن، به معنای کاهش حمایت آمریکا از آنان باشد.

برای روسیه نیز این توافق معنای خاصی دارد. مسکو نگران است نزدیکی واشنگتن و پکن، به معنای فاصله گرفتن تدریجی چین از جبهه روسیه باشد. از همین‌رو رسانه‌های روسی در روزهای اخیر، لحنی انتقادی نسبت به این چارچوب اتخاذ کرده‌اند. در خاورمیانه نیز قدرت‌های منطقه‌ای از ایران تا عربستان، با دقت این توافق را رصد می‌کنند، زیرا هر تغییر در روابط ۲ قدرت جهانی، بر مسیر سرمایه‌گذاری، فناوری و انرژی منطقه اثرگذار است.

در نهایت، توافق اجرایی آمریکا و چین، نه صلح است و نه بازگشت به دوران جهانی‌سازی بی‌دغدغه. این توافق صرفاً «قواعد درگیری» را بازتعریف می‌کند. واشنگتن و پکن می‌دانند در جهان در حال گذار، رقابت بی‌قید و شرط به زبان هر دو است. آنچه در حال شکل‌گیری است، نظمی چندقطبی اما مدیریت‌شده است؛ نظمی که در آن رقابت ادامه دارد اما در محدوده‌ای قابل‌پیش‌بینی. به بیان دیگر، توافق اجرایی واشنگتن و پکن شاید سراغاز مرحله دوم رقابت جهانی باشد؛ رقابتی با قواعد مشترک، در جهانی که دیگر نه تک‌قطبی است و نه کاملاً چندقطبی. در این میان، هر توافقی میان ۲ قدرت بزرگ، همزمان ۲ معنا دارد: امتیازدهی و زمان خریدن. واشنگتن می‌خواهد زمان بخرد تا جایگاه فناوری‌اش را تثبیت کند و پکن زمان می‌خرد تا اقتصادش را بازسازی کند. این «زمان خریداری‌شده»، همان چیزی است که سرنوشت نظم جهانی را در دهه پیش‌رو تعیین خواهد کرد.